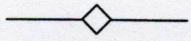


۱۳۷۱ هـ ق، ۱۳۷۱ م
 ۸۸۷۶ شنبه، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م

هول حادثه، نه حول فاجعه

با هم دید
 دوست
 کبریا است از دوست

(مجموعه داستان)



تیم: نیری، پرویز

اکبر قره داغی



تجارت انتشارات

مجموعه راه، نه فاجعه راه
 ۸۸۷۶ شنبه، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م



۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م

انتشارات بهجت

۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م
 ۱۳۷۱ م، ۱۳۷۱ م

معجزه راهه ما خانه راهه	۲۶۱
ت پیلوه	۲۶۲
مالحتبا	۲۶۳
مسان پهلپو	۲۶۴
ع پشه پچه	۲۸۱

پیش گفتار

موضوع درس آن روز، حسب حال «اتوبیوگرافی» بود، بعد از تعریف و توضیح حسب حال برای نمونه، داشتم قسمتی از کتاب روزهای دکتر محمدعلی ندوشن را می‌خواندم به این جمله رسیده بودم «او نیز مانند سایر ام موجود یک کتابی بود» که یک نفر از ته کلاس، با صدای زمخت، به مسخره گفت: یعنی، فقط کتاب القهای کلاس اول را خوانده بوده؟ و خودش را پشت نفر جلویی‌اش پنهان کرد. یک لحظه صبر کردم تا خنده‌ها تمام شود. آن وقت گفتم: جانم، بهتر بود جمله‌ی بعدی یعنی: غیر از قرآن و مفاتیح‌الجنان کلیات سعدی را داشت، که بعد از این جمله آورده است را هم گوش می‌کردن و بعد آذانه دادم.

فهرست

۹	پیش گفتار
۱۵	شکایت
۲۳	تجربه‌ی گران قیمت
۴۵	گم شده
۵۵	سیل
۶۷	تکیه گاه
۷۹	باور
۱۰۱	دل تنگی‌های با فاصله
۱۱۱	زخمی
۱۲۳	برقرار عروسک
۱۲۹	مستأصل

پیش‌گفتار

موضوع درس آن روز، حسب حال «اتوبیوگرافی» بود، بعد از تعریف و توضیح حسب حال برای نمونه، داشتم قسمتی از کتاب روزهای دکتر محمدعلی ندوشن را می‌خواندم به این جمله رسیده بودم «او نیز مانند دایی‌ام موجود یک کتابی بود» که یک نفر از ته کلاس، با صدای زمخت، به مسخره گفت: یعنی، فقط کتاب الفبای کلاس اول را خوانده بوده؟ و خودش را پشت نفر جلویی‌اش پنهان کرد. یک لحظه صبر کردم تا خنده‌ها تمام شود، آن وقت گفتم: نه جانم، بهتر بود، جمله‌ی بعدی یعنی: غیر از قرآن و مفاتیح‌الجنان کلیات سعدی را داشت، که بعد از این جمله آورده است را هم گوش می‌کردی و بعد ادامه دادم.

در گذشته، حتی در زمان حال کسانی هستند و بودند که فقط با یکی از کتاب‌های ادبی بزرگان ادب رابطه برقرار می‌کردند. گروهی با شاهنامه، برخی با حافظ، عده‌ای با سعدی یا خیام، تنهایی خود را پر می‌کردند و عواطف و خواسته‌های خود را در آن‌ها می‌یافتند و لذت می‌بردند، به چنین افرادی، یک کتابی می‌گویند ولی اکثر شما را باید لاکتابی خواند، منظورم بی‌دین نیست بلکه می‌خواهم بگویم حتی شما یک کتاب هم نخوانده‌اید و نمی‌خوانید و با هیچ اثر ادبی نمی‌توانید رابطه‌ی حسی و عاطفی و انسانی برقرار کنید، برای همین است که نرخ مطالعه در ایران برای هر نفر در شبانه‌روز کمتر از دو دقیقه است و اشاره کردم به جوانی که موجد این بحث